

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال هشتم، شماره پانزدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۰)



- هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا
- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
 - محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
 - سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
 - ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
 - محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
 - محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
 - محمد قائنی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
 - محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه)
 - محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم)
 - سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)

مدیر مسئول:

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهوانندی

دبیر تحریریه:

مهدی مقدادی داودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

وحید حامد

مترجم انگلیسی:

احمدرضا عبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه‌آرا:

محسن شریفی

A Comparative Study of the Instances of the Place of I'tikāf in the Narrative Heritages from the Perspective of the Two Denominations of Islam

¹Abbās Miqdādī Dāvūdī

Abstract

The issue of the place of i'tikāf is one of the disputed issues of Islamic jurists. According to the verses of the Qur'an, one of the conditions stipulated in performing the i'tikāf is the presence of the Mu'takif in the mosque, but there is a disagreement in the view of Islamic jurists as in which mosque the Mu'takif can perform i'tikāf. The aim of this research is a jurisprudential and thematic study on the instances of the place of i'tikāf such as grand mosques in the Imami and Sunni narrative heritages.

From the perspective of Imami jurisprudence, i'tikāf is not valid in every usual place and it should be performed in the mosque, a fact that, in addition to the texts, has been confirmed by the majority of jurists. Surveying the statements of Imami jurists regarding the place of i'tikāf, there three main and basic views are traceable: the first view says that every Mosque is appropriate. The second says that i'tikāf is to be done in four or five special mosques, and according to the third view it is to be done in four special mosques and the grand mosques, among which the latter is accepted by the majority and the famous jurists.

From the viewpoint of the Sunnis, i'tikāf is valid in three special mosques and the mosques where people congregate (the grand mosque), and it is also valid where the Friday prayers are said.

Keywords: i'tikāf, Grand Mosque, Jamā'at Mosque, Jurisprudence.

1. Graduated from the Seminary (Level 4), Researcher at the Seminary School of Qom: abbas.meghdadi@yahoo.com

implication of these narrations is a secondary ruling on the bestowal of divine grace for someone who, being matured and having listened the narration, performs the action in the hope of its reward. Also, the solutions to the conflict are different, according to him; one of the most important of these solutions is referring to the option before practice, which he explain by relying on the basis of the option mentioned by the great scholars such as Kulainī and some of his masters in case of conflict.

Keywords: Sunnah arguments, the Narration of “man balagha”, Tasāmuḥ, Istihbāb, Option.



فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال هشتم، شماره پانزدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۰)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

بررسی تطبیقی مصادیق مکان اعتکاف در تراث روایی از منظر فریقین

عباس مقدادی داودی^۱

چکیده

مسئله مکان اعتکاف یکی از مسائل مورد اختلاف فقهای اسلامی است. بر اساس آیات قرآن، یکی از مواردی که در انجام اعتکاف شرط شده، حضور معتکف در مسجد است؛ اما اینکه معتکف در چه مسجدی می‌تواند به اعتکاف بپردازد، در دیدگاه، فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. مسئله این پژوهش بررسی فقهی و موضوع‌شناسی مصادیق مکان اعتکاف و مسجد جامع در تراث روایی امامیه و اهل سنت است که این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، با هدف بیان پاسخی درخور به پرسش‌یادشده نگاشته شده است.

از دیدگاه فقه امامیه، اعتکاف در هر مکانی صحیح نیست و باید در مسجد باشد و بر این امر افزون بر نصوص وارده، ادعای اجماع قطعی شده است. در بررسی اقوال فقهای امامیه در رابطه با مکان اعتکاف، سه نظر اصلی و اساسی وجود دارد: نظر اول این است که اعتکاف در هر مسجدی صحیح است؛ نظر دوم اینکه مساجد اربعه یا خمسه صحیح است؛ نظر سوم این است که اعتکاف در مساجد اربعه و مسجد جامع صحیح است که مشهور فقها و متأخران این نظر را پذیرفته‌اند و معتقدند اعتکاف در مسجد جامع نیز صحیح است.

از نگاه اهل سنت اعتکاف در مساجد سه‌گانه و مساجدی که محل تجمع عموم مردم (مسجد جامع) باشد، صحیح است و در جایی که نماز جمعه در آن اقامه شود نیز صحیح است.

واژگان کلیدی: اعتکاف، مسجد جامع، مسجد جماعت، فقه.

مقدمه

انسان‌ها نیازهای گوناگون جسمی و روحی دارند و خداوند متعال برای تأمین نیازهای روحی بشر، عبادات را تشریع کرده است؛ از این رو تنوع در عبادت دقیقاً به دلیل نیازهای گوناگون انسان است که هر عبادتی بخشی از نیازهای روح انسان را برآورده می‌کند. اعتکاف در میان این عبادات که مجموعه‌ای از بهترین عبادت‌هاست، فرصتی برای کسب توشه سفر آخرت است، همچنین پاک کردن زنگارهای دل که در حقیقت معتکف با این عبادت، به عرصه جهاد اکبر و مبارزه با نفس ورود می‌کند.

اعتکاف فصلی است برای بارش باران رحمت الهی و شست‌وشوی آلودگی‌های گناه و تطهیر صحیفه ایمان و نورانی کردن دل و صفا بخشیدن به روح و مجالی برای باریافتن به بارگاه جلال ربانی و سرانجام، اعتکاف از برجسته‌ترین مظاهر بندگی در پیشگاه الهی است. در تراث روایی، احادیث پرشماری درباره اهمیت و ثواب اعتکاف نقل شده و مکان‌ها و زمان‌های خاصی برایش در نظر گرفته شده است؛ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّةً وَإِعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعِنْدَ قَبْرِهِ يَعْدِلُ حَجَّةً وَعُمْرَةً وَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَام يَعْتَكِفُ عِنْدَهُ الْعَشْرَ الْأَوَّخِرَ [الغواiber] مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَأَنَّمَا إِعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَنْ إِعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۹۵). [ثواب] اعتکاف یک شب در ماه رمضان معادل [ثواب] یک حج است و اعتکاف یک شب در مسجد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نزد قبر ایشان معادل یک حج و یک عمره است و هرکس [قبر] امام حسین علیه السلام را زیارت کند؛ درحالی‌که در دهه آخر ماه رمضان نزد او معتکف باشد، همانند آن است که کنار قبر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتکاف کرده است و هرکس کنار قبر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معتکف شود، برای او از یک حج و یک عمره پس از حج واجب بهتر است.

در تراث روایی، احادیث فراوانی درباره اصل اعتکاف و مسائل مربوط به آن وارد شده است. حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اعتکاف دهه پایانی ماه مبارک رمضان می‌فرماید: «هرکس در ماه رمضان ده روز معتکف شود، ارزش آن معادل دو

حج و عمره است» (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۸). ایشان همچنین در حدیث دیگری می‌فرماید: «هرکس روزی را برای خدا اعتکاف کند، خداوند میان او و آتش جهنم سه خندق فاصله قرار می‌دهد که طول آن بیشتر از فاصله بین مشرق و مغرب است» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۶).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی ده روز پایانی ماه رمضان فرا می‌رسید، در مسجد اعتکاف می‌کرد و مؤمنان برای او خیمه‌ای برپا می‌کردند و ایشان کمر همت بر عبادت می‌بست و بستر خود را جمع می‌کرد. بعضی گفتند: و از زنان کناره می‌گرفت پس [در ادامه] امام صادق علیه السلام فرمود: اما کناره گرفتن از زنان؛ پس این گونه نبود؛ [بلکه] حضرتش ایشان را از مکالمه و خدمت و هم‌نشینی خود باز نمی‌داشت» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۶۷۰) شیخ صدوق در این باره می‌گوید: معنای سخن امام علیه السلام که می‌فرماید: «اما کناره رفتن از زنان؛ پس چنین نبود»، این است که ایشان را از خدمت و هم‌نشینی با او منع نمی‌کرد و اما از مجامعت امتناع می‌کرد؛ همان گونه که آن را منع فرمود. از جمله «و بستر خود را جمع می‌کرد»، ترک مجامعت دانسته می‌شود» (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۴).

همچنین در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «جنگ بدر در ماه رمضان واقع شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نتوانست معتکف شود؛ پس در سال آینده بیست روز اعتکاف کرد؛ ده روز برای همان سال و ده روز بابت قضای سال گذشته» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۶۷۱).

در پژوهش‌های صورت گرفته حول این محور، بیشتر تألیفات ناظر به احکام فقهی و استفتائات اعتکاف است و به موضوع‌شناسی مسجد و مکان اعتکاف - آن هم به صورت تطبیقی - پرداخته نشده است که از این حیث، پژوهش حاضر در این میان پژوهشی جدید است و به صورت تطبیقی، میان فقه امامیه و اهل سنت به موضوع‌شناسی این مسئله پرداخته است.

در این پژوهش تلاش شده ضمن بررسی معانی لغوی و اصطلاحی اعتکاف، اهمیت اعتکاف و همچنین موضوع‌شناسی مکان اعتکاف و مراد از مسجد جامع تحقیق و بررسی شود و نظرهای فقهای دوره‌های گوناگون در این باب بازبینی شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. اعتکاف در لغت

اعتکاف از ماده «ع - ک - ف» و در لغت به معنای حبس بودن است و به همین خاطر همراه همیشگی چیزی بودن و درنگ طولانی مدت - چه خوب باشد و چه بد - به اعتکاف تعبیر شده است؛ مثلاً خداوند در قرآن خطاب به کافران می‌فرماید: ﴿وَجَاوِزْنَا بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۸) و بنی اسرائیل را [سالم] از دریا عبور دادیم؛ [ناگاه] در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند...

برای این ریشه، معانی گوناگونی ذکر شده است؛ مثلاً رویکرد به چیزی با توجه و مواظبت؛ اقبال به چیزی بی‌آنکه روی از آن برگردد؛ محبوس و متوقف کردن چیزی؛ اقبال و ملازمت بر چیزی از روی تعظیم و بزرگداشت آن؛ التزام به یک مکان و اقامت در آن؛ اقامت، ملازمت و مواظبت؛ حبس و توقف (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۵. ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵۵). اعتکاف و عکوف در لغت، به معنای مواظبت و ایستادگی بر چیزی یا مکانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۴۲. ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵۵) و «عاکف» و «معتکف» به معنای اقامت‌کننده است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۹۹)؛ بنابراین اعتکاف در لغت به معنای حبس کردن است و از همین معنا درنگ و توقف طولانی است.

۱-۲. اعتکاف در اصطلاح

اعتکاف در اصطلاح فقهی نوعی عبادت است که انسان سه روز یا بیشتر در مسجد مقیم شود و از آنجا بیرون نرود و در این مدت روزه بگیرد. البته این عمل شرایط و احکامی دارد که در کتاب‌های فقهی بیان شده است (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۸. نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۵۹). در تعریف دیگری آمده است: «اعتکاف ماندن در مسجد به نحوی که از آن قصد عبادت کند و قصد عبادت دیگر، در آن شرط نیست» (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۳۰۴). آنچه از این تعریف به دست می‌آید، این است که هدف از ماندن در مسجد، فقط و فقط برای بندگی و عبودیت باشد. زمانی که معتکف با این قصد و نیت در مسجد حضور می‌یابد، می‌توان گفت او معتکف

شده است. در تعریف اعتکاف در کتاب *جوهر الکلام* آمده است اعتکاف در لغت به معنای حبس شدن و درنگ طولانی مدت - چه خوب باشد و چه بد - است؛ همچنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: کافران و بت پرستان بر بت‌هایشان اعتکاف کردند؛ اما از لحاظ شرعی، اعتکاف به معنای ماندن طولانی مدت برای عبادت است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۵۹).

پس اعتکاف در معنای لغوی، مقیم شدن در محل معین به گونه‌ای است که فرد مقیم خود را محبوس و ملتزم به آن مکان بداند و در اصطلاح فقهی، نوعی عبادت است که انسان سه روز یا بیشتر در مسجد مقیم شود و هر سه روز، روزه بگیرد؛ با احکام و شرایطی که در محلش ذکر شده است.

۱-۳. اعتکاف در قرآن

واژه «اعتکاف» در قرآن کریم نیامده است؛ اما ماده «عکف» و با مشتقات ثلاثی مجرد، نه بار در قرآن ذکر شده که هم به معنای لغوی و هم به معنای اصطلاحی آمده است. این واژه به صورت «مَعْكُوفًا» (فتح: ۲۵) «يَعْكُفُونَ» (اعراف: ۱۳۸) «الْعَاكِفُ، عَاكِفًا» (حج: ۲۵، طه: ۹۷) «الْعَاكِفِينَ، عَاكِفِينَ» (بقره: ۱۲۵، طه: ۹۱، شعراء: ۷۱) «عَاكِفُونَ» (بقره: ۱۸۷، انبیاء: ۵۲) در قرآن یادشده است.

۱-۴. جامع در لغت

با مراجعه به منابع لغوی و موارد کاربرد واژه «جامع» معلوم می‌شود ویژگی فراگیری و عمومیت، اجتماع و جمعیت در این واژه نهفته است؛ مثلاً فراهیدی در کتاب *العین* می‌نویسد: «منه الجماعة: کل شیء و کثرتة... والمسجد الجامع نعت به لانه یجمع اهله» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۴۰). مراد از جماعت همه چیز و فراوانی آن است ... جامع برای مسجد صفت است؛ زیرا اهل آن در آن جمع می‌شوند.

ابن منظور نیز همین معنا را اختیار کرده است و مراد از جامع را جمع کردن قومی که از هم پراکنده شده‌اند و کسی از آنها باقی نمانده، تعبیر کرده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۵۵). جوهری نیز در کتاب *صحاح* مراد از جامع را جمع کردن از هر موضع می‌داند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۰۰). راغب اصفهانی در تعریف جامع

می‌نویسد: مراد از جامع امری مهم است که مردم به خاطر آن جمع شده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۱). طریحی نیز مسجد جامع را مسجدی می‌داند که مردم در آن جمع می‌شوند و نماز جمعه در آن اقامه می‌شود (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۱۴).
با توجه به موارد فوق به دست می‌آید که دو عنصر جمعیت و کثرت - عمومیت و فراگیر بودن در معنای جامع لحاظ شده است.

۱-۵. جامع در اصطلاح

واژه «جامع» اسم فاعل به معنای پیوستن اجزا به یکدیگر و گرد آوردن و از اسمای الهی است (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۲۹۵). این کلمه با همان معنای لغوی یک بار در قرآن به کار رفته است: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ...﴾ (نور: ۶۲) جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از او کسب اجازه نکنند، نمی‌روند... .

با توجه به دیدگاه مفسران منظور از «امر جامع» که در آیه شریفه آمده، دربردارنده کار مهم و همگانی است که همراه با عمومیت، فراگیری، جمعیت و اجتماع است که در ادامه، آرا و نظرهای مفسران شیعه و سنی در این رابطه بیان می‌شود:

۱. برخی نیز معتقدند امر جامع امری است که عام و فراگیر باشد (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۶۵۳).

۲. برخی از مفسران معتقدند امر جامع همراه با رسول‌الله ﷺ می‌تواند نماز جمعه یا نماز عید یا نماز جماعت یا اجتماعی جهت مشورت و مانند آن باشد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۸۱).

۳. امر جامع در نظر برخی مفسران، کنایه از امری بزرگ و عظیم است که همه مسلمانان ادعای آن را دارند (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۱۳۳۵).

۴. قرشی معتقد است غرض از امر جامع، امری اجتماعی است که همه مردم را در یک جا جمع می‌کند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۴).

۵. علامه طباطبایی معتقد است امر جامع چیزی مانند جنگ است که مردم به خاطر آن دور هم گرد می‌آیند و با هم در رابطه با آن به تدبیر و مشورت می‌پردازند

(طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۶۶).

توجه به مصادیق و موارد مطرح شده ذیل عنوان «امر جامع» در دیدگاه مفسران همچون جمعه، جهاد و اعیاد که به طور طبیعی ماهیت جمعی دارند، در پاره‌ای از دیدگاه‌ها و تفاسیر، امر جامع به هر کار مهم و همگانی که به تشاور و اجتماع نیاز دارد، در برخی دیگر از تفاسیر به خوبی به دست می‌آید که عناصر جمعیت و اجتماع، عمومیت و فراگیری در معنا و مفهوم «امر جامع» نهفته است.

۱-۶. جامع در فقه

همان‌گونه که در مفهوم‌شناسی واژه «جامع» بیان شد، هنگامی که به منابع لغوی و موارد کاربرد مسجد جامع رجوع می‌شود، به دست می‌آید که ویژگی فراگیری و عمومیت، اجتماع و جمعیت در مسجد جامع نهفته است. در فقه نیز فقها همانند لغویان بر این نکته، همچنین اقامه نماز جمعه تصریح دارند و مصادیق گوناگونی را برای مسجد جامع بیان کرده‌اند:

۱. ابن فهد حلی مسجد جامع را مسجدی بزرگ می‌داند که در آن نماز جمعه اقامه می‌شود (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۶).

۲. شهید ثانی در کتاب *مسالك الافهام* نیز مسجدی را مسجد جامع می‌داند که در آن نماز جمعه برگزار می‌شود. (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۳).

۳. مولی محمد مهدی نراقی در تعریف مسجد جامع می‌نویسد: شاید مراد از مسجد جامع، یک مسجد باشد و آن مسجدی است که در آن نماز جماعت اقامه می‌شود مطلقاً؛ حال چه نماز جمعه باشد، چه نماز جماعت عموم مردم شهر یا ممکن است مراد از آن مسجدی باشد که در آن فقط نماز جمعه اقامه می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۵۵۴).

۴. محقق خوانساری به تبع شهید ثانی در کتاب *مسالك الافهام*، مراد از مسجد جامع را مسجدی می‌داند که مردم شهر در روز جمعه یا برای جماعت در آن جمع می‌شوند (خوانساری، ۱۳۱۱ق، ج ۲، ص ۴۹۲).

۵. میرزای قمی معتقد است مسجدی مسجد جامع است که قبایل گوناگون با نسب‌های مختلف در آن جمع می‌شوند (مسجدی که مخصوص قبیله خاصی

نیست) (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۰۹).

۶. صاحب جوهر در تعریف مسجد جامع می گوید مراد از جامع در مسجد اعظم، قیدی است که مقابل مسجد بازار و قبیله است که افراد بسیاری از مردم شهر در آن مجتمع نمی شوند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۷۱).

۷. کاشف الغطا در تعریف مسجد جامع می نویسد مسجدی جامع است که اغلب مردم در آن جمع می شوند (نجفی، ۱۴۲۲ق «الف»، ص ۹۱).

۸. میرزا محمد تقی آملی معتقد است مسجدی مسجد جامع است که اهالی شهر در آن جمع می شوند؛ هر چند بزرگ نباشد. البته همانند مسجد قبیله نیست (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۹، ص ۱۳۳).

۹. آیت الله سید احمد خوانساری در تعریف مسجد جامع توضیح می دهد که مراد از جامع در مسجد جامع، مسجدی است که افراد بسیاری در آن نماز می خوانند یا مسجدی که در آن نماز جماعت برگزار می شود (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۴۶).

۱۰. آیت الله خویی معتقد است مسجد جامع موردی برای اجتماع مردم و محلی برای تجمع آنان است؛ حال یا برای اقامه نماز جمعه یا غیر آن، و این قید آن را مقابل مسجد بازار و قبیله قرار می دهد (خویی، بی تا، ج ۲ ص ۳۵۵. همو، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۳۷۰).

۱۱. آیت الله شهید صدر نیز در تعریف مسجد جامع معتقد است مسجدی که مردم در آن جمع می شوند و مسجد مهم و اصلی در شهر باشد، مسجد جامع است و اعتکاف در مسجد کوچک جانبی صحیح نیست. (صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۶۵۷).

۱۲. آیت الله گلپایگانی در تعریف مسجد جامع در کتاب مجمع المسائل می نویسد: «مسجد جامع مسجدی است که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد، جمعیت داشته باشد» (گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۴).

۱۳. آیت الله میرزا جواد تبریزی در «کتاب الاعتکاف» معتقد است مراد از مسجد جامع، مسجدی است که اغلب نمازگزاران برای نماز در آن مسجد اجتماع می کنند؛ هر چند در بعضی اوقات. البته ایشان وجهی دیگر را نیز مطرح می کند که ممکن است گفته شود مراد از مسجد جامع، مسجدی باشد که در آن نماز جمعه اقامه می شود که این احتمال را ضعیف می دانند و رد می کنند. (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۳۰).

۱۴. آیت الله فاضل لنکرانی نیز در توضیح شرایط اعتکاف، اشاره‌ای به مسجد جامع می‌کند و معتقد است یکی از شرایط صحت اعتکاف این است که در مسجد جامع باشد؛ یعنی مسجد عمومی که محل اجتماع عامه مردم است و به اهل یک محله و گروه خاصی اختصاص نداشته باشد؛ مانند مسجد اعظم و مسجد امام در قم و مسجد امام و مسجد جمعه در تهران. ایشان همچنین معتقد است مسجد جامع به افراد خاص یا محل خاصی اختصاص ندارد؛ بنابراین اعتکاف در مسجد بازار و محله را صحیح نمی‌داند. (موسوی لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۶۰).

۱۵. آیت الله سیستانی نیز مسجد جامع را مسجدی می‌داند که به محله یا منطقه خاص یا گروه خاصی اختصاص نداشته باشد و محل اجتماع و رفت و آمد مردم مناطق ذومحلات گوناگون شهر باشد. ایشان حتی مشروعیت اعتکاف در غیر مسجد جامع را ثابت نمی‌دانند و معتقد است آنچه از ظاهر روایات معتبر فهمیده می‌شود، اختصاص اعتکاف مشروع به مسجد جامع است؛ ولی چون ادله قطعی و یقین‌آور نیست، اعتکاف در مساجد دیگر غیر از مسجد جامع رجائاً و بدون قصد ورود اشکال ندارد؛ ولی اعتکاف در جایی که مسجد نیست و مثلاً حسینیه است یا فقط نمازخانه است، صحیح نیست و مشروعیت ندارد (سیستانی، ۱۳۹۳، ص ۵۸).

۱۶. آیت الله صافی نیز در تعریف مسجد جامع می‌نویسد: «مسجدی است که برای گروه خاصی ساخته نشده است و در مقابل مسجد بازار و قبیله و امثال اینها بوده که در آنها معظم اهل بلد جمع نمی‌شوند و آماده برای اجتماع آنها هم نشده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۹).

۱۷. آیت الله جوادی آملی منظور از مسجد جامع را مسجدی نمی‌داند که به عنوان مسجد جامع ساخته شده باشد و اسمش مسجد جامع شده باشد؛ ایشان معتقد است منظور از مسجد جامع این نیست که غالباً یا غیر غالب نماز جمعه یا نماز جماعت در آن خوانده شود؛ بلکه مسجد جامع مسجدی است برای جمعیت فراوان که مردم این شهر در آنجا زیاد اجتماع می‌کنند؛ خواه نام آن مسجد جامع باشد، خواه نباشد؛ خواه نماز جمعه در آن خوانده شده باشد، خواه خوانده نشده باشد؛ خواه نماز جماعت در آن خوانده شده باشد، خواه خوانده نشده باشد؛ آماده شده است؛ هرچند غالباً در چنین مسجدی نماز جمعه اقامه می‌شود (بحث اعتکاف به نقل از سایت مؤسسه اسراء، بخش دروس).

۱۸. سعدی ابوحیب در کتاب القاموس الفقہی لغة واصطلاحاً در تعریف مسجد جامع نزد اهل سنت بیان می‌کند که مراد از مسجد جامع نزد مالکیه، مسجدی است که در آن نماز جمعه اقامه می‌شود و نزد حنفیه، مسجدی است که امام یا کسی از سوی امام در آن نمازهای پنج‌گانه را اقامه کند (سعدی ابوحیب، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۸).

از مجموع تعاریف بیان‌شده درباره مسجد جامع به دست می‌آید که عناصری چون بزرگ بودن، محدودیت صنفی، گروهی، قومی، خانوادگی و مانند آن نداشتن، شخصی و اختصاصی نبودن، برگزاری نماز جمعه یا جماعت، عمومی و همگانی بودن، رفت‌وآمد بیشتر داشتن، جمعیت انبوه داشتن، آماده و فراهم بودن برای حضور بیشتر اهل بلد و... در تعاریف فقها به عنوان شاخص و مؤلفه‌های مسجد جامع آمده است.

به نظر می‌رسد وجه مشترک همه این تعاریف، جمعیت و اجتماع، عمومیت و خاص نبودن (نداشتن محدودیت صنفی، گروهی، قومی، خانوادگی و مانند آن) است و دیگر موارد مطرح‌شده، هرکدام در حد عنوان مشیر یا کاشف از این عناصر اصلی است. البته باید توجه داشت این امور نسبی‌اند و عرفاً در شرایط گوناگون شهری و روستایی، متفاوت خواهد بود؛ چه‌بسا مسجدی با جمعیت دویست نفره در یک روستای کوچک و کم‌جمعیت، جامع شناخته شود؛ ولی همین مقدار جمعیت در یک شهر بزرگ، مصحح اطلاق مسجد جامع نباشد.

البته باید به این نکته نیز توجه کرد که با توجه به توسعه شهرها و تفاوت و تغییر اساسی در ترکیب و بافت و ساختار جمعیتی سرزمین‌های صدر اسلام با زمان ما و اقتضائات شهرنشینی به‌ویژه در کلان‌شهرها، ملاک‌های مطرح‌شده را در مواردی نمی‌توان اجرا کرد؛ مثلاً اگر در تعریف مسجد جامع قائل شد که مسجد جامع مسجدی است که محل اجتماع اغلب مردم بلد یا اغلب نمازگزاران یا محل رفت‌وآمد همه گروه‌ها و محلات باشد و یا مراد مسجدی باشد که اجتماع مردم در آن بیش از مساجد دیگر است، در شرایط کنونی و در شهرهایی مانند تهران، مشهد، تبریز و اصفهان چگونه می‌توان محاسبه و احراز کرد و آیا مثلاً در تهران، مسجدی را می‌شناسیم که اغلب مردم یا نمازگزاران و اهل محله‌های گوناگون در آن اجتماع کنند؛ مگر اینکه گفته شود همان قابلیت و آمادگی مسجد برای پذیرش جمع کثیری و محدودیت نداشتن در ورود و خروج به مسجد برای نمازگزاران و محله‌های دیگر

کافی است و با سیاست کلی اسلام مبنی بر دعوت به اعتکاف و احیای سنت محمدی سازگار نیست. بی‌گمان ایجاد محدودیت و تضییقات این‌چنینی برای داوطلبان اعتکاف که شامل اقشار مردم و زنان و مردان سالمند و... است و موجب ایجاد زحمت و مشقت برای آنان است، به دور از روح شریعت سمحه و سهله است (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۱، ص ۴۳۱).

۱-۷. مکان اعتکاف

بر اساس آیات قرآن، یکی از مواردی که در انجام اعتکاف شرط شده، حضور معتکف در مسجد است، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «... وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۷) ... و درحالی‌که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان خود آمیزش نکنید؛ این مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید. خداوند این‌چنین آیات خود را برای مردم روشن می‌کند. باشد که پرهیزکار شوند.

۲. رابطه مسجد جماعت با مسجد جامع

مسجد جماعت مسجدی است که محل برگزاری نماز جماعت یا اجتماع مردم است که با این تعریف، بر مسجد جامع نیز اطلاق می‌شود. این تعریف برگرفته از روایات وارده در باب اعتکاف است که به ذکر نمونه‌هایی از اطلاق عنوان مسجد جماعت بر مسجد جامع بسنده می‌شود:

۱. «قالوا وتفقد هشام بعض ولده فلم يره يحضره الجمعة فقال له ما منعك من الصلوة يوم الجمعة في مسجد الجماعة؟ فقال نفقت دابتي فعجزت عن المشي الى الجمعة» (ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۶. عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۸۱). گفتند هشام یکی از فرزندان را که در نماز جمعه حاضر نشد، خطاب قرار داد که چه چیزی مانع شد تا در نماز جمعه در مسجد جماعت حاضر شوید؟ او در پاسخ گفت چون چارپایم دچار مشکل شد و نتوانستم به نماز جمعه بروم. این گزارش تاریخی درباره حضور نیافتن در نماز جمعه در مسجد جماعت است که «يوم الجمعة» نشان‌دهنده این است که مراد از مسجد جماعت، مسجد جامع است.

۲. «لما فتح عمر البلدان كتب الى ابو موسى الاشعري وهو على البصرة يامره بان يتخذ مسجداً للجماعة ويتخذ للقبائل مسجداً فاذا كان يوم الجمعة انضموا الى مسجد الجماعة وكتب الى سعد بن ابى وقاص وهو على الكوفة بمثل ذلك وكتب الى عمرو بن العاصر وهو على مضر بمثل ذلك وكتب الى امراء الاجناد بالشام الا يتبددوا الى القرى وان ينزلوا المدائن و ان يتخذوا فى كل مدينة مسجداً واحداً ولا تتخذ القبائل مساجد فكان الناس متمسكين بامر عمر وعهده ... وفى ايامنا هذه صار المسجد والجامع بمعنى واحد فجميع المساجد اليوم صارت جوامع فيها منابر وخطباء» (مقریزی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۷)؛ زمانی که عمر دو شهر را فتح کرد، به ابوموسی اشعری که در بصره بود، امر کرد تا مسجدی را به عنوان مسجد جماعت و مسجدی را برای قبایل انتخاب کند تا هنگامی که روز جمعه فرا رسید، به مسجد جماعت پیوندند و همچنین به سعد ابی وقاص که در کوفه بود نیز نامه‌ای نوشت تا همانند ابوموسی عمل کند و همین طور به عمرو بن عاص که در مصر بود نیز چنین نامه‌ای نگاشت و همین طور به امیران سپاه شام نیز نامه نوشت تا در هر شهری مسجد واحدی را انتخاب کنند و قبیله‌های گوناگون مساجد مختلف را انتخاب نکنند و مردم عهد و امر عمر را اجرا کنند و این گونه عمل کردند ... در روزگار ما مسجد و مسجد جامع معنای واحدی یافته و همه مساجد، مساجد جامعی هستند که در آن خطبه‌ها و منبر برقرار است.

بر اساس این گزارش تاریخی، اقامه نماز جمعه در مسجد جماعت نشان‌دهنده این است که مراد همان مسجد جامع است.

در میان فقهای افراد بسیاری میان مسجد جامع و مسجد جماعت تفاوتی نمی‌گذاشتند؛ از جمله صاحب جوهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۷۱)، محقق اردبیلی (ر.ک: اردبیلی، ۱۴۰۳ق)، نراقی (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۵۵۴)، آیت الله تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۳۰) و آیت الله سیدصادق روحانی (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۴۲۹).

۳. مکان اعتکاف از منظر فقه امامیه

از دیدگاه فقهای امامیه، اعتکاف در هر مکانی صحیح نیست و باید در مسجد باشد و بر این امر - افزون بر نصوص وارده - ادعای اجماع قطعی شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷،

ص ۱۷۰)؛ ولی درباره اینکه منظور از مسجد چه مسجدی است، علما اختلاف دارند. از ظاهر آیه «... وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ...» (بقره: ۱۸۷) به دست می‌آید اعتکاف در هر مسجدی جایز است (عاملی جبعی، بی‌تا، ج ۹، ص ۹۹)؛ زیرا «المساجد» عام است و شامل همه مساجد می‌شود؛ اما امامیه با استناد به روایات (کلینی، ۴۳۰ق، ج ۷، ص ۶۷۳)، عموم این آیه را به مساجد چهارگانه، یعنی مسجدالحرام، مسجدالنبی مسجد کوفه و مسجد بصره (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۷. نجفی، ۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۷۰) و مسجد جامع هر شهر (فاضل مقداد، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۶. نجفی، ۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۷۱) تخصیص زده است.

در بررسی تفصیلی اقوال فقهای امامیه در رابطه با مکان اعتکاف، سه نظر اصلی و اساسی وجود دارد:

قول اول

برخی فقها ملاک را صدق کردن عنوان مسجد دانسته، اعتکاف را در هر مسجدی صحیح می‌دانند. قائلان به این قول عمدتاً به عموم مستفاد از جمع معرف به الف و لام «المساجد» در آیه شریفه «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ...» (بقره: ۱۸۷) استدلال می‌کنند. این مطلب از ابن‌ابی‌عقیل عمانی نقل شده است (عمانی، ۴۱۳ق، ص ۳۱۹. علامه حلی، ۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۴۴. همو، ۴۱۲ق، ج ۹، ص ۴۹۱. حر عاملی، ۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۵۴۲).

قول دوم

مکان اعتکاف به مساجد اربعه (مسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ، مسجد کوفه و مسجد بصره) یا خمسه (مساجد چهارگانه به اضافه مسجد مدائن) اختصاص دارد که مشهور بین قدما تا زمان فخرالمحققین است و کسانی مانند صدوق در المقنع نقل می‌کنند اعتکاف در یکی از مساجد پنج‌گانه (المسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ، مسجد مدائن، مسجد بصره و مسجد کوفه) صحیح است (صدوق، ۴۱۵ق، ص ۲۰۹) یا شیخ طوسی در النهایه می‌نویسد: «والمواضع التي يجوز فيها الاعتكاف كل مسجد جمّع الامام العادل فيه بالناس صلاة جمعة يوم الجمعة و هي اربعة مساجد المسجد الحرام ومسجد المدينة ومسجد الكوفة ومسجد البصرة وقد روى في بعض الاخبار: مسجد المدائن و المعول على المساجد التي ذكرناه ولا يجوز الاعتكاف فيما عدا هذه

المساجد التي قدّمتنا ذكره» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۷۱)؛ مکان‌هایی که اعتکاف در آن جایز است، هر مسجدی است که امام عادل در آن مردم را در روز جمعه برای نماز جمعه جمع کرده است که آن مساجد چهارگانه هستند که عبارت‌اند از مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره. در برخی از روایت مسجد مدائن نیز افزوده شده است؛ از این رو جز در مساجد یادشده اعتکاف جایز نیست. البته شیخ در کتاب‌های دیگر خود (طوسی، ۱۳۸۷ق «ب»، ج ۱، ص ۲۸۹. همو، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۳. همو، ۱۳۸۷ق «ب»، ص ۱۲۵. همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۲۷) نیز بر این مطلب صحه گذاشته است.

علمای دیگری همچون سید مرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۹. همو، ۱۳۸۷ق، ص ۹۹)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۴۹۱. همو، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۲۱. همو، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۴۴)، دیلمی (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۹)، قطب راوندی (راوندی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۹۷)، ابن زهره حلبی (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۶)، ابن حمزه طوسی (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۳)، محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۳۲)، امین‌الاسلام طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۷)، ابن براج طرابلسی (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۰۴)، ابن ادریس حلی (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۲۱)، قطب‌الدین کیدری (کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۶)، ابن ابی‌المجد حلبی (ابن ابی‌المجد حلبی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۸)، صاحب جامع الشرائع (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۶۵)، مؤمن قمی (مؤمن قمی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۹) و امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۳۰۵) به این قول معتقدند.

این افراد ملاک را عنوان «مسجد جمع فیه نبی ﷺ او وصی نبی ﷺ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰ ص ۵۴۲) و «صلی فیه الامام العدل صلاة جماعة» (همان، ص ۵۴۰) دانسته‌اند و این عنوان را فقط منطبق بر مساجد اربعه یا خمسه دانسته و به لحاظ توقیفی بودن عبادات و رعایت احتیاط، بر قدرمتیقن که همان مساجد خاصه است، بسنده کرده‌اند و با انتخاب این تفسیر که مراد از جماعت، نماز جمعه و منظور از امام عدل، امام معصوم علیه السلام است، میان روایات جمع کرده‌اند.

البته اینکه برخی معتقدند مراد از امام عدل در روایات باب اعتکاف، فقط امام معصوم باشد، مسلم و معلوم نیست و پشتوانه قطعی ندارد (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۱۴. فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۶۷).

قول سوم

برخی از علما معتقدند اعتکاف در مسجد جامع که شامل مساجد اربعه نیز هست، صحیح است. در میان متأخران این قول مشهور است و قائلان بسیاری دارد؛ از جمله شیخ مفید در کتاب مقنعه بنا بر اینکه مراد ایشان از مسجد اعظم همان مسجد جامع باشد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۳) و محقق حلی در مختصر النافع (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۷۳).

فاضل آبی معتقد است منظور از مسجد جامع یکی از مساجد مسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ، مسجد کوفه و مسجد بصره است (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۶) یا شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۶۱. همو، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۴۹. همو، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۸)، محقق کرکی (کرکی عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۸)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ص ۶۷. همو، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۵۰. همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹۹) به این مطلب معتقدند.

همچنین موسوی عاملی در شرح قسمت عبادات کتاب شرائع (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۳۲۱)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۷. همو، ۱۴۱۸ق، ص ۱۵۱)، محقق خوانساری (خوانساری، ۱۳۱۱ق، ص ۴۹۱)، کاشف الغطا (نجفی، ۱۴۲۲ق «ب»، ج ۴، ص ۹۷)، نراقی (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۵۵۴)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۷۰)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۷۱)، سید یزدی (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۶۷۲)، سید محسن حکیم (حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۰۳)، محمد سعید حکیم (حکیم، ۱۴۲۵ق، ص ۴۴۳)، شیخ محمد تقی آملی (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۹، ص ۱۳۶)، محقق خوبی (خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۹)، آیت الله سید علی سیستانی (سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۴۳) نیز اعتکاف را در مساجد جامع افزون بر مساجد چهارگانه قبول داشتند.

این فقها شرط جامعیت را در مسجد جامع ملاک دانسته و بیشتر به روایات مشتمل بر «مسجد جامع»: «الْمُعْتَكِفُ يَعْتَكِفُ فِي الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ» یا «لَا اِعْتِكَافَ اِلَّا بِصَوْمٍ فِي مَسْجِدِ الْجَامِعِ الْحَدِيثِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۵۳۸) و «مسجد جماعة»: «لَا يَصْلُحُ الْعُكُوفُ فِي غَيْرِهَا يَعْنِي غَيْرَ مَكَّةَ - اِلَّا اَنْ يَكُونَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - اَوْ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ الْجَمَاعَةِ» (همان) که از نظر عددی بیشتر و از نظر سندی صحیح تر است، تمسک کرده اند و ذکر مساجد اربعه و خمسه در برخی روایات از باب ذکر اکمل و افضل مصادیق است، نه حصر در آنها و منظور از جماعت، هم اعم از جمعه و جماعت بود و بعضی انعقاد نماز جمعه یا جماعت را

نیز لازم ندانسته‌اند (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۹، ص ۱۳۶) و هر مسجدی را که برای معظم الجماعة آماده شده باشد، مسجد جامع می‌دانند.

در زمینه اقوال فقها، پژوهشگران معاصر نظرهای متعدد دیگری را نیز نقل کرده‌اند که برای اختصار از نقل آن موارد صرف‌نظر شد (پورامینی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۱۸۶-۳۱۵).

۴. مکان اعتکاف از دیدگاه فقه اهل سنت

فقهای اهل سنت همگی معتقدند اعتکاف فقط در مسجد صحیح است و مساجد سه‌گانه (مسجد الحرام، مسجد النبی ﷺ و مسجد الاقصی) افضل‌اند و پس از آن همگی متفق‌اند اعتکاف در مسجد جامع نیز صحیح است؛ ولی در بقیه مساجد که آیا اعتکاف در آن صحیح است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد (مجموعه نویسندگان، ۱۳۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۱).

جزیری در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه آورده است که اعتکاف در مسجد واقع می‌شود و در خانه صحیح نیست که مالکیه معتقد است اعتکاف در مسجدی که عموم مردم در آن رفت‌وآمد دارند، همچنین در مسجد جامعی که در آن نماز جمعه اقامه می‌شود، صحیح است (مالک بن انس، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۳)؛ همچنین حنفیه معتقدند اعتکاف در مسجد جماعت صحیح است (شیبانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۱۵. زیلعی الحنفی، ۱۳۱۳ق، ج ۱، ص ۳۴۹) و شافعیان می‌گویند اعتکاف در مسجد غیر جامع و مسجدی که عموم مردم بدانجا نمی‌روند نیز صحیح است (شربینی شافعی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۳۲) و در پایان می‌گویند از دیدگاه حنابله، اعتکاف در هر مسجدی برای مرد و زن جایز است (جزیری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۰۹).

مالک بن انس در کتاب موطا خود معتقد است اعتکاف در مسجدی که محل تجمع عموم مردم است و در آن نماز جمعه برگزار می‌شود، صحیح است (مالک بن انس، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۳). عینی درباره مکان اعتکاف می‌نویسد اعتکاف در هر مسجدی صحیح است و آن را به مالک بن انس، بخاری، داوود و جمهور اهل سنت نسبت داده است (عینی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۸۶).

البانی درباره مکان اعتکاف می‌نویسد: «ثم وقفت علی حدیث صحیح صریح

يخصص المساجد المذكورة في الآية بالمساجد الثلاثة: المسجد الحرام والمسجد النبوي والمسجد الأقصى وهو قوله صلى الله عليه وسلم: (لا اعتكاف إلا في المساجد الثلاثة)» (الباني، ١٤٠٤ق، ص ٣٦)؛ اعتكاف فقط در مساجد سه گانه صحيح است.

بنابراین عموماً فقهای اهل سنت اعتكاف در مساجد سه گانه و مساجدی که دارای قیود: محل تجمع عموم مردم (مسجد جامع) و اقامه نماز جمعه در آن را صحيح می دانند. با توجه به اینکه مشهور فقها و متأخران اعتكاف در مسجد جامع را نیز صحيح می دانند، لازم است به بررسی نظرهای فقها درباره مسجد جامع آن پرداخته شود.

نتیجه گیری

اعتكاف برجسته ترین مظهر بندگی در پیشگاه الهی است. در تراث روایی، احادیث پرشماری درباره اهمیت و ثواب اعتكاف نقل شده و مکان ها و زمان های خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. همان گونه که بیان شد، اعتكاف فقط در مسجد و آن هم در مساجد اربعه و مسجد جامع صحيح است. در مفهوم شناسی واژه «جامع» به دست آمد که ویژگی فراگیری و عمومیت، اجتماع و جمعیت در مسجد جامع نهفته است. در فقه نیز فقهای شیعه و سنی در تعریف مسجد جامع افزون بر قید محل اجتماع مردم بودن، بر اقامه نماز جمعه در آن مسجد تصریح دارند؛ به بیان دیگر مراد از مسجد جامع یا مسجد جماعت، مسجدی است که دارای سه ویژگی «عمومی بودن»، «جمعیت داشتن» و «برخورداری از جماعت صحيح» باشد. بنابراین در هر مسجدی که در آن نماز جماعت نسبتاً پرجمعیتی - حتی به طور نسبی - برگزار شود و به دسته، قبیله یا گروه خاصی اختصاص نداشته باشد، می توان اعتكاف کرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی المجد حلبی، علی بن حسن (۱۴۱۴). *إشارة السبق إلى معرفة الحق*. ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). *تفسير القرآن العظيم*. ج ۱۳، ط ۳، ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز.
۳. ابن اثیر جزری، عزالدین بن اثیر ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹ق). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*. بیروت: دار الفكر.
۴. ابن اثیر جزری، مجدالدین أبوالسعادات المبارک بن محمد (۱۳۹۱ق/۱۹۷۹م). *النهاية فی غریب الاثر والحديث*. (تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی)، بیروت: المكتبة العلمية.
۵. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*. ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق). *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*. ج ۵، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق). *اقبال الاعمال*. تهران: دار الكتب الاسلاميه..
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسير القرآن العظيم*. ج ۹، ط ۱، بیروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.
۱۰. ابن منظور، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. ج ۱۵، ط ۳، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر.
۱۱. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. ج ۱۴، ط ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. اشتهاړدی، علی پناه، *مدارك العروة*. ج ۳۰، قم: تهران: دار الاسوة للطباعة والنشر.
۱۳. آملی، سید حیدر (۱۴۲۲ق). *تفسير المحيط الأعظم و البحر الخضم*. ج ۳، تهران: چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۴. آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰ق). *مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقى*. ج ۱۲، قم: تهران: [بی تا].
۱۵. البانی، ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدین (۱۴۰۴ق). *قيام رمضان فضله و كیفیة أدائه ومشروعية الجماعة فيه ومعه بحث قيم عن الاعتكاف*. عمان: المكتبة الإسلامية.
۱۶. بحث اعتكاف، سایت مؤسسه اسراء، بخش دروس.
۱۷. پورامینی، محمدا مین (۱۳۹۵). *موسوعة الاعتكاف*. ج ۱، قم: مركز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۸. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *تنقيح مباني العروة - كتاب الاعتكاف*؛ ج ۱، قم: [بی تا].

۱۹. جزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض (۱۴۲۴ق). *الفقه على مذاهب الاربعة*. بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح - تاج اللغة وصحاح العربية*. ۶ ج، ط ۱، بيروت: دار العلم للملايين.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. ۳۰ ج، ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۲۲. حسینی روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق*. ۴۱ ج، ط ۱، قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
۲۳. حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحين*. ۲ ج، ط ۱، قم: دار التعارف للمطبوعات.
۲۴. حکیم، سید محمد سعید (۱۴۲۵ق). *مصباح المنهاج «كتاب الصوم»*. ۱ ج، ۱، قم: دار الهلال.
۲۵. حلبی، ابن زهره حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷ق). *غنية النزوع إلى علمى الأصول والفروع*. ۱ ج، ۱، قم: مؤسسة امام صادق علیه السلام.
۲۶. حلی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷ق). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. ۵ ج، ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲۷. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع*. ۱ ج، ۱، قم: مؤسسة سید الشهداء العلمیه.
۲۸. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). *التفسير القرآنی للقرآن*. ۱۶ ج، ط ۱، بيروت: دار الفكر العربی.
۲۹. خوانساری، رضی الدین بن آقا حسین بن محمد (۱۳۱۱ق). *تکمیل مشارق الشموس فی شرح الدرر*. ۱ ج، ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۳۰. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. ۷ ج، ۲، قم: مؤسسة اسماعیلیان.
۳۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحين*. ۲ ج، قم: نشر مدینه العلم.
۳۲. _____ (۱۴۱۸ق). *موسوعة الامام الخوئی*. ۳۳ ج، ۱، قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئی.
۳۳. _____ (بی تا). *المستند فی شرح العروة الوثقی*. ۲ ج، [بی جا]: [بی تا].
۳۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. ۱ ج، ط ۱، لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیه.
۳۵. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*. ۴ ج، ۲، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۶. زیلعی حنفی، فخر الدین عثمان بن علی بن محجن البارعی (۱۳۱۳ق). *تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیه الشلبي*. المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق.
۳۷. سبزواری (محقق)، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق). *کفایة الأحکام*. ۲ ج، ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۳۸. سعدی ابوجیب (۱۴۰۸ق). *القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً*. ۲ ج، ط ۲، دمشق: دار الفكر.
۳۹. سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز (۱۴۰۴ق). *المراسم العلوية والأحكام النبويه*. ۱ ج، ط ۱، منشورات الحرمين.

۴۰. سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین*. ۳ج، ۵، قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۴۱. _____ (۱۳۹۳). *کتاب احکام اعتکاف پاسخ گویی به سؤالات دینی و اثره استادان*. [بی جا]: [بی نا].
۴۲. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر [بی تا]. *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. [بی جا]: [بی تا].
۴۳. شربینی شافعی، شمس الدین محمد بن أحمد الخطیب (۱۴۱۵ق). *مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج*، ط ۱، [بی جا]: دار الكتب العلمية.
۴۴. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۳۸۷ق). *مجل العلم والعمل*. نجف: مطبعة الآداب.
۴۵. _____ (۱۴۱۵ق). *الانتصار فی انفرادات الإمامية*. ۱ج، ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۴۶. شببانی، أبو عبدالله محمد بن الحسن بن فرقد (۱۴۰۳). *الحجة علی اهل المدينة*. (المحقق: مهدی حسن کیلانی القادری)، ط ۳، بیروت: عالم الكتب.
۴۷. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۴). *کتاب اعتکاف پرسش و پاسخ پیرامون اعتکاف به انضمام نصاب اخلاقی*. [بی جا]: [بی تا].
۴۸. صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۳ق). *الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت*. ۱ج، ط ۸، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۴۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵ق). *المقنع*. ۱ج، ۱، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۵۰. _____ (بی تا). *من لا یحضره الفقیه*. (المحقق: علی اکبر الغفاری)، قم: جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمية.
۵۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۵ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ۱ج، ط ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی (المحشی)*. ۵ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۵۳. طبرسی، فضل بن حسن (ق ۱۴۱۰). *المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف*. ۴ج، ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۵۴. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*. ۳ج، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۵۵. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق «الف»). *الجمال والعقود فی العبادات*. ۱ج، ۱، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
۵۶. _____ (۱۳۸۷ق «ب»). *المبسوط فی فقه الإمامية*. ۵ج، ۳، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.
۵۷. _____ (۱۳۹۰). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. ۴ج، ۱، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۵۷. _____ (۱۴۰۰ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*. ۱ج، ط ۲، بیروت: دار الكتاب العربی.
۵۸. _____ (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۵۹. _____ (بی تا). الخلاف. مؤسسة النشر الإسلامی.
۶۰. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی (۱۴۱۴ق). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ۴ج، ۱ج، ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶۱. _____ (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة. ۳ج، ۲ج، ۱ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۶۲. _____ (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. ۱ج، ۱، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة.
۶۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. ۱۵ج، ۱ج، ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۶۴. _____ (۱۴۲۲ق). حاشیة المختصر النافع. ۱ج، ۱ج، ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶۵. _____ (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - کلانتر). ۱۰ج، ۱ج، ۱، قم: کتابفروشی داوری.
۶۶. _____ (بی تا). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. [بی جا]: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۶۷. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، الإصابة فی تمییز الصحابه (۱۴۱۵ق). (تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض)، ۸ج، ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. ۱۵ج، ۱ج، ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۶۹. _____ (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. ۴ج، ۱ج، ۱، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۷۰. _____ (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. ۶ج، ۱ج، ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۷۱. عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل حدّاء (۱۴۱۳ق). حیاة ابن أبی عقیل وفقهه. ۱ج، ۱ج، ۱، قم: مرکز معجم فقهی.
۷۲. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷ق). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. ۲ج، ۳ج، ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۷۳. فاضل مقداد (بی تا). کنز العرفان. قم: منشورات المكتبة المرتضویة للإحیاء الآثار الجعفریة.
۷۴. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. ۳ج، ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. ۸ج، ۲ج، ۱، قم: نشر هجرت.
۷۶. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق). النخبة فی الحکمة العملیة والأحکام الشرعیة. ۱ج، ۱ج، ۱، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۷۷. _____ (بی تا). *مفاتیح الشرائع*. ۳ ج، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۷۸. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*. ۱۲ ج، ۲، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۷۹. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. ۱۳ ج، ۲، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۸۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). *الکافی*. ۴ ج، ۱، [بی جا]: دار الحدیث للطباعة والنشر.
۸۱. کیدری، قطب الدین محمد بن حسین (۱۴۱۶ق). *إصباح الشیعة بمصباح الشریعة*. ۱ ج، ۱، قم: مؤسسة امام صادق علیه السلام.
۸۲. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۹ق). *مجمع المسائل*. ۵ ج، ۲، قم: دار القرآن الکریم.
۸۳. مالک بن انس (۱۴۱۲ق). *موطأ الإمام مالک*. (محقق: بشار عواد معروف - محمود خلیل)، [بی جا]: مؤسسة الرسالة.
۸۴. مجموعه نویسندگان (۱۳۱۰ق). *الفتاوی الهندیة*. ۲ ج، [بی جا]: دار الفکر.
۸۵. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق). *المعتبر فی شرح المختصر*. ۲ ج، ۱، قم: مؤسسة سید الشهداء علیه السلام.
۸۶. _____ (۱۴۱۸ق). *المختصر النافع فی فقه الإمامیه*. ۲ ج، ۶، قم: مؤسسة المطبوعات الدینیة.
۸۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق). *المقنعة*. ۱ ج، ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۸۸. مقریزی، احمد بن علی تقی الدین (بی تا). *المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار*. ۴ ج، [بی جا]: [بی تا].
۸۹. موحی لنگرانی، محمد فاضل (۱۳۸۳) *جامع المسائل (فارسی)*. ۲ ج، ۱۱، قم: انتشارات امیر قلم.
۹۰. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). *مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*. ۸ ج، ۱، بیروت: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۹۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۳۴ق). *تحریر الوسیلة*. ۲ ج، ۱، تهران: مطبعة مؤسسه العروج.
۹۲. مؤمن قمی، علی (۱۴۲۱ق). *جامع الخلاف و الوفاق*. ۱ ج، ۱، قم: زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام.
۹۳. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۷ق). *غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام*. ۱ ج، ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۹۴. نجفی (صاحب الجواهر)، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. ۴۴ ج، ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۹۵. نجفی (کاشف الغطاء)، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق «الف»). أنوار الفقاهة — کتاب الصیام. ۱ج، ۱چ، نجف اشرف: مؤسسة کاشف الغطاء.
۹۶. نجفی (کاشف الغطاء)، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة / الغراء (ط - الحدیثة). ۴ج، ۵چ، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم.
۹۷. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. ۱۹ج، ۱چ، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.

